

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَجَعَلْتُكُمْ مَوَاسِدَ

پیچک

www.ketab.ir

زهرا قربانی



انتشارات نظری

عنوان و نام پدیدآور	پیچک/زهرای قربانی
مشخصات نشر	تهران : انتشارات نظری، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری	۳۰۰ص
شابک	۹۷۸-۶۳۲-۲۰۹-۹۰۰-۸
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا
موضوع	عشق و عبادت الهی
رده بندی کنگره	BP۲۲۶/۲
رده بندی دیویی	۲۹۷/۴۶۶
شماره کتابشناسی ملی	۸۵۳۸۱۵۴

نام کتاب : پیچک

نام نویسنده: زهرای قربانی

نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۰

شمارگان : ۳۰۰

www.ketab.ir

کلیه حقوق چاپ و نشر و مالکیت مادی این کتاب، مخصوص و محفوظ ناشر است .

دفتر مرکزی : تهران، خیابان ولی عصر (عج) ، خیابان سید جمال الدین اسدآبادی (یوسف آباد) ،

نبش خیابان فتحی شقایق ، جنب بانک سپه پلاک ۳۲ ، طبقه ۲ ، واحد ۱۷

E-mail: nazaribook@yahoo.com

www.nazaribook.ir



انتشارات نظری

تلفن : ۸۸۱۰۲۷۷۵

همراه : ۰۹۱۹۰۱۲۹۴۵۵

قیمت : ۵۰۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه
۱۵.....	بخش اول: مفهوم شناسی عشق
۱۷.....	عشق از دیدگاه روانشناسی
۱۷.....	صمیمیت و علاقه
۱۸.....	دلباختگی
۱۸.....	تعهد
۱۹.....	انواع قصه‌های عشق
۲۲.....	عشق و عرفان
۲۷.....	عشق و کمال
۲۸.....	فرق عشق انسانی با عشق الهی
۳۳.....	بخش دوم: آفرینش انسان
۳۵.....	فلسفه آفرینش

۴۰.....	عدم خلقت انسان در مجردات.....
۵۳.....	برهان نظم.....
۶۸.....	محبت خداوند.....
۶۹.....	جبر و اختیار.....
۷۲.....	هدف از آفرینش.....
۹۰.....	هدف از آفرینش انسان.....
۹۸.....	ایمان در قرآن.....
۱۰۲.....	گرایش‌های فطری انسان.....
۱۰۷.....	بخش سوم: آفرینش عشق.....
۱۰۹.....	آفرینش عشق و زیبایی.....
۱۱۰.....	جریان عشق در عالم.....
۱۱۱.....	اسباب عشق.....
۱۱۴.....	عقل و عشق.....
۱۱۶.....	دیدگاه صوفیان در مورد رابطه عشق و عقل.....
۱۱۷.....	شناخت خدا از طریق عشق یا عقل.....
۱۲۶.....	عشق مجازی.....
۱۳۲.....	تفاوت عشق مجازی و حقیقی.....
۱۴۰.....	نشانه‌های عشق حقیقی.....
۱۴۱.....	تبدیل عشق مجازی به عشق حقیقی.....

عشق و ازدواج	۱۴۳
عشق افلاطونی	۱۴۴
عشق به خدا	۱۴۶
رابطه علاقه و عشق الهی	۱۵۴
راه های دور شدن از عشق زمینی و رسیدن به عشق الهی	۱۷۰
تضاد ترس از خدا با عشق به خدا	۱۷۲
راه عاشقی	۱۷۵
راه تحصیل محبت الهی	۱۸۲
عوامل ضعیف شدن محبت الهی	۱۸۳
عشق به زندگی جاوید	۱۸۴
عشق و خانواده	۱۸۵
مقایسه زن با مرد در عشق های معنوی و حقیقی	۱۸۷
تفاوت دوست داشتن با عشق	۱۸۸
علاج عشق های زمینی	۱۸۹
راه تکامل انسان در عشق	۱۹۱
نیازمندی عشق به شناخت و معرفت	۱۹۴
مراتب محبت	۱۹۵
مرحله پس از عشق	۱۹۶
فهرست منابع	۱۹۸

مقدمه

«عشق» نام گیاهی است که در فارسی آن را «پیچک» خوانند (علفی که اطراف بوته‌های انگور و می‌پیچد و چه بسا آن را از کار انداخته و خشک می‌کند) و چون شوق موکد نیز شایق را چنان مجذوب معشوق می‌گرداند که دیگر خودی نمی‌بیند و فانی می‌شود آن را اصطلاحاً «عشق» گویند. بنابراین در عشق دوگانگی نیست و عاشق جز معشوق و معبود نمی‌بیند و نمی‌شناسد و مانند پروانه‌ای است که در پرتو شمع فروزان محبوب خود را می‌سوزاند. به تعبیر امام‌راجل (ره):

عاشقان روی او را خانه و کاشانه نیستند
مرغ بال و پر شکسته فکر باغ و لانه
گر اسیر روی او بی نیست شو پروانه شو
پای بند ملک هستی در خور پروانه
مست شو دیوانه شو از خویشتن بیگانه شو
آشنا با دوست راهش غیر این بیگانه

اما این که چنین عشقی چگونه حاصل می‌شود؟ باید گفت: ریشه این عشق در نهاد و فطرت هر کس نهفته است. زیرا انسان ذاتاً عاشق کمال و

جمال است و درهرجا جمال و کمالی تشخیص داد به سمت آن می‌گردد. لیکن غالباً کمالات ناقص را می‌یابد و دل‌باختگی و سرسپردگی در برابر آن حجاب روءیت جمال و کمال مطلق می‌شود. ولی آن کس که ذات جمیل علی‌الاطلاق و کمال مطلقه را بشناسد به دیگری دل نخواهد سپرد و جز بدو نخواهد اندیشید. بنابراین اولین توشه این راه معرفت است و معرفت پروردگار از سویی با مطالعه و تدبر و تفکر و از سوی دیگر با پالایش نفس از رذایل و عبودیت و اطاعت کامل از احکام شریعت میسر است. از این رو باید دانست که راه دراز و پر خطری پیش روست.

به قول حافظ:

الا یا ایها الساقی ادر کأساً و ناولها

که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها
از صدای سخن عشق ندیدم خوش‌تر
یادگاری که در این گنبد دوار بماند
راهیست ره عشق که هیچ‌ش کناره نیست

آنجا جز آنکه جان بسپارند چاره نیست

تهذیب نفس از هرگونه رذیلت اخلاقی و حیوانی، مقدمه ورود به دار ایمان و معرفت است.

اخلاص عمل برای خدا و خالی شدن از هرگونه شرک، سکویی دیگر برای

این حرکت است. من کان لله کان الله له هر کس برای خدا باشد خدا برای او خواهد بود.

بلی قلب و دل اگر چون آینه‌ای از زنگار شرک، ریا و گناه پاک گردید، حقیقت در آن تجلی می‌یابد. اگر کسی همانند چمران شد، روشن است که او نیز آنچه را چمران دید می‌بیند و می‌شنود. در اینجا مناسب است چند بیت از مفسر، عارف و فیلسوف وارسته، علامه طباطبایی نقل کنیم:

همی گویم و گفته‌ام بارها
بود کیش من مهر دلدارها
چه فرهادها مرده در کوه‌ها
چه حلاج‌ها رفوگر دارها
پرستش به مستی است در کیش عشق
بروندن زین حلقه هشیارها
به شادی و آسایش و خواب و خور
ندارند کاری دل افکارها
چه دارد جهان جز دل و مهر یار
مگر تو ده‌هایی و پندارها